

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در کتب فارسی خوانداری پایه‌های اول تا ششم ابتدایی

فاطمه مرادی^۱

زهرا حمیدی^۲

نسرین داودنیا (نویسنده مسوول)^۳

چکیده

کتاب‌های درسی یکی از ابزارهای اصلی گسترش فرهنگ به شمار می‌آید. پژوهش پیش رو با هدف بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی در کتاب‌های فارسی خوانداری پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ انجام شده است. نگارندگان در این مطالعه به دنبال پاسخ این پرسش بوده‌اند که «کتاب‌های مذکور تا چه اندازه در انتقال و تقویت مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی موفق عمل کرده‌اند؟» روش پژوهش جستار حاضر، از نوع کیفی و تحلیل محتواست که به شیوه اسنادی انجام شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان تأکید بر مؤلفه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی-اسلامی در محتوای کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی به یک اندازه نیست؛ بر مؤلفه‌ی دین اسلام در این کتب ۴۵/۹۱ درصد و بر مؤلفه‌ی هنر ایرانی ۴/۶۱ درصد تأکید شده است. بنابراین نتایج پژوهش حاکی از آن است که کتاب‌های بررسی شده از محتوای غنی و کاملی برای تقویت و انتقال فرهنگ ایرانی-اسلامی برخوردار نیستند.

کلیدواژه‌ها: کتب فارسی خوانداری، دین اسلام، هنر ایرانی، فرهنگ، نمادهای فرهنگی و فرهنگ عامه

^۱ شاغل در آموزش و پرورش مناطق عشایری خوزستان

^۲ شاغل در آموزش و پرورش شهرستان رامهرمز

^۳ دکتری زبان و ادبیات فارسی، شاغل در آموزش و پرورش دزفول، ایران. n.davoudnia@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

فرهنگ در هر جامعه‌ای، بخشی تفکیک‌ناپذیر از زندگی مردم است. منظور از فرهنگ، نظامی همه‌شمول و در عین حال، منحصربه‌فرد است که مفاد آن در ضمیر ناخودآگاه همه افراد آن جامعه، نقش بسته‌است. این نظام در همه مکان‌ها و عرصه‌ها، سرچشمه اعمال، رفتار و اندیشه اعضای جامعه است و حتی بر ساده‌ترین لحظه‌های زندگی آنان نیز تأثیر می‌گذارد (فیروزآبادی و امیری، ۱۳۸۹: ۱۰۳). فرهنگ در هر جامعه‌ای سازنده آن جامعه است (بورديو، پاسرون و مارتین، ۱۹۹۷)؛ زیرا جامعه را انسان‌ها شکل می‌دهند و از آن‌جا که همه انسان‌ها با هم متفاوت‌اند و روحیات و سلايق گوناگونی دارند، نیاز است تا عاملی آن‌ها را کنار هم نگه دارد و آن عامل، فرهنگ است. جامعه ایرانی نیز با میراثی غنی از مؤلفه‌های تمدن‌ساز، ویژگی‌های ممتاز و بی‌بديل و عناصر احیاء‌شونده، از توانمندی دستیابی به نقش و جایگاه واقعی خود در پویش تاریخ بی‌بهره نیست و ویژگی‌های تمدن ایرانی، کارایی بازسازی آن را فراهم ساخته‌است (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۰: ۱۶۲). در کتب لغت، فرهنگ را به علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی معنا کرده‌اند که این معانی، در واقع همه مزایای انسانی را در بر می‌گیرد؛ یعنی همه وجوه تمایز و برتری انسان نسبت به سایر موجودات و مخلوقات، در معانی «فرهنگ» جمع آمده‌است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱: ۶۸). ابهامات موجود درباره این کلمه، ناشی از فهم درباره مصادیق این واژه و حیطه و وسعت معنایی آن است. رویکردها و روش‌های گوناگون و غایت‌های متفاوتی که در تبیین این کلمه انجام گرفته، منجر به تعاریف متعددی شده‌است (دریابیگی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)؛ لذا در ادامه به ذکر چند مورد از تعاریف مطرح‌شده توسط صاحب‌نظران پرداخته‌ایم:

از دیدگاه تایلور فرهنگ یا تمدن، کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت‌ی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۵۷: ۳۹).

از دیدگاه هیلر باورها، نظام‌های فکری، فنون علمی، راه و رسم‌های زندگی، رسوم، سنت‌ها و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ نامیده می‌شود. بنا به این تعریف فرهنگ شامل تمامی کردوکارهایی است که در اجتماع از روابط میان افراد شکل می‌گیرد، یا از یک گروه اجتماعی آموخته می‌شود؛ ولی صورت‌های خاصی از رفتار را که سرشت ارثی از پیش تعیین کرده‌است، شامل نمی‌شود (همان: ۴۰).

لووی بیان می‌کند: «مراد ما از فرهنگ، مجموعه چیزهایی است که فرد از جامعه خود کسب می‌کند؛ یعنی باورها، رسوم، سنجه‌های هنری، عادات خورد و خوراک و پیشه‌هایی که نه از راه کردوکار خودبنیاد او، بلکه به صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی، به او رسیده‌است» (همان: ۴۱). از دیدگاه هرسکوویتس فرهنگ اساساً بنایی است مبین

تمامی باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و مقاصدی که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می‌کند و سرانجام عبارت است از آن چه یک ملت دارد، آن چه می‌کند و آن چه می‌اندیشد (همان: ۴۳). بنابراین، با توجه به تعاریف بالا، فرهنگ جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی فردی و اجتماعی مردم هر کشور است که باید آموخته‌شود تا به نسل‌های آینده منتقل‌گردد و تداوم آن، فرهنگ غنی گذشته ایران را به آینده پیونددهد. از آنجایی که دنیای معاصر با وجود فناوری‌های نوین در عرصه ارتباطات با پدیده‌ای به نام جهانی‌شدن روبه‌روست که علاوه بر جنبه‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بر هویت و نظام ارزشی و اعتقادی مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان تأثیری عمیق گذاشته است، نوجوانان از طریق رسانه‌های گروهی و ابزارهای بازی و سرگرمی و ماهواره‌ها و اینترنت در سطحی وسیع با سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و فرهنگ و هنر و باورها و ارزش‌های بیگانه آشنا می‌شوند و هویت و نظام ارزشی و اعتقادی آنان دگرگون می‌گردد. این تأثیر برای آن دسته از دانش‌آموزانی که بیشتر وقت خود را صرف دیدن این رسانه‌ها می‌کنند، بسیار نگران‌کننده است (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۸۹). ناگفته نماند که هیچ کشوری نمی‌تواند برای غلبه بر این نگرانی، ارتباط خود را با دنیای پیرامون به‌طور کامل قطع کند و چشم خود را بر تکنولوژی جدید ببندد و جوانان خود را با حصار در برابر امواج رو به گسترش فرهنگ‌های بیگانه محافظت کند. چنین کاری نه امکان‌پذیر و نه عاقلانه است. در تعامل فعال با دنیای پیرامون، ملتی موفق است که بنیادهای هویتی و فرهنگی نوجوانان و جوانان خود را درست بنا نهد و در تقویت این بنیان‌ها کوشا باشد؛ تا از استحاله هویتی نسل آینده خود در فرهنگ بیگانه جلوگیری کند (معروفی و پناهی توانا، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

کودکان و نوجوانان کشور ما، آینده‌سازانی هستند که برای اعتلا و پیشرفت این سرزمین توسط بزرگسالان مورد آموزش و پرورش قرار می‌گیرند. از این‌رو، گفته شده که یکی از راه‌های شناخت یک ملت این است که ببینیم به کودکان خود چه می‌گوییم (بهاء‌لو، ۱۳۸۷: ۴۵). بنابراین، با توجه به حساس بودن دوران کودکی به لحاظ شکل‌گیری شخصیت انسان در این سنین، نقش ویژه کتاب‌های درسی به‌دلیل قابلیت تدریس ارزش‌های اجتماعی و عادات مطلوب، قابل توجه است (شیخ‌وندی، ۱۳۸۲: ۳۵).

آموزش و پرورش ایران به مواردی همچون علاقه‌مند کردن کودک به ارزش‌ها و آداب و رسوم اسلامی و میهنی و احترام گذاشتن به آن‌ها، تأکید بر هنرهای بومی و شناساندن نظام جمهوری اسلامی، پرچم و سرود ملی کشور به دانش‌آموز توجه ویژه دارد (صافی، ۱۳۸۶: ۹۸)؛ اما ایران از جمله کشورهای است که فرهنگ و هویت ملی آن در شرایط کنونی دست‌خوش چالش‌هایی شده است که مشکلات جدید و زیادی را پیش روی کودکان و جوانان آن گشوده است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۱). در این راستا، عوامل مختلفی مانند نخبگان (دانشمندان، هنرمندان و نویسندگان)،

آموزش و پرورش، خانواده و رسانه‌های ارتباط جمعی در تشکیل فرهنگ ملی یک کشور تأثیرگذار هستند. از آن‌جا که دانش‌آموزان بیشتر وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند (صادق‌زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۶) و کودکان ابتدایی برای اولین بار به‌طور رسمی و مستمر وارد اجتماع می‌شوند و در معرض آموزش رسمی قرار می‌گیرند، آموزش و پرورش یکی از مؤثرترین نهادهایی است که در تثبیت و تقویت فرهنگ جوانان نقشی چشمگیر دارد و یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های آن، رسالت جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است تا از این طریق فرهنگ ملی، دینی و قومی آنان را شکل دهد (شمشیری، ۱۳۸۷: ۱۷). به باور دورکیم آموزش و پرورش ابزاری برای میل به انسجام اخلاقی و سازوکاری است که از طریق آن هنجارها و ارزش‌های جامعه منتقل می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۱۳۲)؛ بنابراین، پیش‌بینی شده است که برنامه‌های درسی با توجه به اصولی همچون شرایط محلی و مقتضیات منطقه‌ای و هماهنگ با ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی و میراث فرهنگی (صافی، ۱۳۸۶: ۹۸) تدارک دیده شود.

از آن‌جایی که آموزش رسمی یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ افراد جامعه است، آموزش هدفمند، منابع درسی و معلمان ابزارهای قدرتمندی هستند که می‌توانند با درونی‌سازی زبان مشترک و محتوای کتاب‌های درسی، نقشی اساسی در تکوین و تقویت فرهنگ فردی و اجتماعی ایفا کنند (معروفی و پناهی توانا، ۱۳۹۳: ۱۲۰). لازم به ذکر است که ادبیات جوامع، مجموعه‌ای متنوع و غنی از ارزش‌های بنیادی، تاریخ و میراث فرهنگی و در یک کلام، تمامی مؤلفه‌هایی است که هویت و فرهنگ ملی و مذهبی آن جوامع را قوام و دوام می‌بخشد. از این‌رو، انتخاب کتاب‌های ادبیات فارسی برای تشکیل و تثبیت هویت و تربیت شهروندی ضروری است (همان: ۸۹).

افزون بر این، از آن‌جایی که فرهنگ در هویت، موجودیت و پیشرفت یک جامعه نقش اساسی دارد، نیازمند آن است که حفظ شود و به‌درستی به نسل‌های بعدی منتقل شود و این امر مستلزم عوامل گوناگونی است. با توجه به متمرکزبودن نظام آموزش و پرورش در ایران و اهمیت کتب درسی، یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای شناخت فرهنگ ایرانی، کتب درسی است. کتاب، یکی از مواد آموزشی‌ای است که نقش مهمی در تأمین اهداف آموزش و پرورش ایفا می‌کند. در نظام آموزشی متمرکز، کتاب درسی به‌عنوان محصول فرآیند برنامه‌ریزی درسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ملکی، ۱۳۸۰: ۱۸۶). کتاب درسی، مهم‌ترین ابزار یادگیری است؛ اما تنها ابزار آموزش نیست؛ بلکه کاربرد وسیع آن در مدارس، دانش‌آموزان را در معرض عقاید، ایده‌ها و افکار گوناگون قرار می‌دهد (نوریان، ۱۳۸۸: ۹). بنابراین، از این طریق می‌توان آموزش‌های لازم را در زمینه آشنایی با فرهنگ ایرانی-اسلامی به دانش‌آموزان ارائه داد. با توجه به اهمیت این موضوع و کمبود مطالعات انجام‌شده در این زمینه، و از آن‌جایی که آموزش و پرورش رسالت سنگینی در جهت تربیت

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در کتب فارسی ...

شهروندان مطلوب دارد، برنامه‌ریزی برای چنین هدف بلندی، کاری بس دشوار و طاقت‌فرساست و با کارشناسی و دقت لازم باید محتوای کتاب‌های درسی را از ابتدایی تا سطوح عالی آموزش، طراحی کرد تا دانش‌آموزان با احساس و اعتقادی عمیق نسبت به فرهنگ ایران بارآیند و هویت ملی و فردی در آن‌ها تقویت شود.

در این جستار، هدف نگارندگان این است که مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی را در کتاب‌های فارسی اول تا ششم دوره جدید ابتدایی سال ۹۹-۱۳۸۹ مورد کنکاش و بررسی قراردهند تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر، پاسخ دهند:

۱- کتاب‌های فارسی این دوره تا چه حد به مولفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند؟

۲- کدام مؤلفه‌های فرهنگی در کتاب‌های فوق، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

فرهنگ و عناصر آن، بحث مهم و اساسی انسان معاصر است که صاحب‌نظران زیادی درباره آن به مطالعه پرداخته‌اند و مقالات زیادی در این باره به چاپ رسیده است.

با توجه به این‌که در این مقاله قصد داریم به بررسی مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی در کتاب فارسی خوانداری پایه‌های اول تا ششم بپردازیم، نیاز است به‌طور ویژه به فرهنگ ایرانی-اسلامی و مؤلفه‌های مد نظر اشاره کنیم.

فرهنگ ایرانی فرهنگی است که قرن‌ها تجربه دانش و خرد و سنت و آداب را پشت سر گذاشته‌است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱: ۶۷). فرهنگ ایرانی دارای سابقه کهن و درخشان است. از آن‌جا که غنا و عمق هر فرهنگی تا حد زیادی بسته به قدمت آن فرهنگ است، فرهنگ ایرانی با سابقه‌ای طولانی و در مواجهه با تنگناهای گوناگون آبدیده شده و استحکام لازم را به دست آورده‌است. اطمینان ایرانی از زیربنای فرهنگی خود باعث شده که او از زمان تشکیل اولین امپراتوری جهان به دست خود تاکنون، از طرح فرهنگ‌های دیگر در کنار فرهنگ خود نهراسد. بدین ترتیب، فرهنگ ایرانی از تجربیات فرهنگی دیگران، استفاده کرده و به رشد و ترقی خود ادامه داده‌است. ایرانیان در مواجهه با فرهنگ اسلامی نیز، به همین شیوه عمل نمودند. آن‌ها هنگامی که از اصول و ویژگی‌های انسان‌دوستانه و مترقی فرهنگ اسلامی آگاهی پیدا کردند، آن را با آغوش باز پذیرفتند. با گرایش ایرانیان به فرهنگ اسلامی، بر روی ریشه و شجره طیبه، به‌عنوان محور فرهنگ اسلامی، درختی تنومند به وجود آمد که باعث شد فرهنگ و تمدن اسلامی در سراسر جهان گسترش یابد (عیوضی، ۱۳۸۶: ۱۸).

آن‌چه در این مقاله به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی بدان پرداخته‌ایم، شامل دین اسلام، نمادهای فرهنگی، فرهنگ عامه و هنر ایرانی است که در ادامه، درباره هر یک اندکی خواهیم نوشت.

۱- دین اسلام

در تاریخ تمدن، اگرچه نسبت هریک از ادیان با فرهنگ یکسان نباشد، هیچ‌گاه نه دین بی‌فرهنگ می‌توان یافت و نه فرهنگ بی‌دین (میشل مالرب، ۱۳۸۷: ۳۳۹-۳۲۹). فرهنگ در یک معنای عام، به‌عنوان بعد معنوی تمدن و با رویکردی انسان‌شناسانه، مجموعه اندوخته‌های معنوی یک ملت و جامعه است که دارای تعاملی دوسویه با دین است؛ تعاملی که مبتنی بر حقیقت و حقیقت‌جویی است. بر اساس این تعامل دوسویه، دین با تأیید مقوله‌هایی از فرهنگ‌های مختلف، فرآورده‌های صحیح و حقیقی را تغذیه می‌کند و چون خود نیز شعارهایش مبنی بر حقیقت است و نسبت به رنگ و نژاد و طبقه، بی‌رنگ و «بلا شرط» است، اقوام و ملیت‌های مختلف بر اساس حقیقت‌جویی به استقبال معرفتی آن می‌روند. انسان‌شناسی مبتنی بر نظریه فطرت حقیقت‌جویانه، جامعه‌شناسی مبتنی بر نوع واحد جوامع، معرفت‌شناسی مبتنی بر ادراکات حقیقی و مطلق نیز مبانی این دیالوگ را تبیین می‌کنند. دین اسلام، دین حیات و زندگی است. برپایه این حیات، دارای دانایی و توانایی است که مدار جذب و دفع فرهنگی اسلام را شکل می‌دهند (یعقوبیان، ۱۳۹۴: ۵).

۲- نمادهای فرهنگی

در لغت‌نامه دهخدا، «نماد» به‌صورت فاعلی و به معنای «نماینده» و «ظاهرکننده» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۸) و آریان‌پور آن را «علامت، رمز، اشاره، کنایه و حتی نشانه خویشاوندی و همبستگی» دانسته است (آریان‌پور، ۱۳۸۳، ج ۲). نمادها و نشان‌ها در تمدن‌های مختلف، ارزش و اهمیت متفاوتی دارند و هنگامی ارزش ملی می‌یابند که مورد قبول اکثریت اعضای جامعه باشند. هم‌چنان‌که تمدن انسانی در گذر تاریخ دستخوش تحولات گشته، انسان به تدریج نمادهای طبیعی (مانند: جغد، مار، مورچه، آهو و جز آن) را به فراموشی سپرده است. به عبارت دیگر، با توسعه تمدن، پیشرفت صنایع و بالطبع دگرگونی‌های فرهنگی، نشان‌های کهن معنا و شکل خود را از دست داده و یا کاربری دیگری یافته‌اند (کریمیان، ۱۳۸۹: ۱۲۱). ما به کمک نمادها نه تنها گروه‌ها را به‌صورت عینی می‌توانیم نشان دهیم، بلکه قادر هستیم احساسات، تعلقات و همبستگی بین اعضای آن‌ها را برانگیزیم و حفظ کنیم؛ چرا که گروه‌ها کلیت‌های مجردی هستند که از طریق نمادها نشان می‌دهند چه کسی به آن‌ها تعلق دارد یا این که اگر می‌خواهند جزء این گروه باشند، چگونه باید رفتار کنند. این امر در مورد گروه‌های قومی و نژادی به‌صورت نمادهای پرچم، نشان‌ها، سرود ملی، رنگ معین، شخصیت‌های اسطوره‌ای، قهرمانان ملی و... نمود پیدا می‌کند (روشه، ۱۳۶۷: ۵۴).

۳- هنر ایرانی

هنر مظهر تجلی دریافت‌های عاطفی و نگرش از راه ذوق و احساس است؛ اما جوشش و رویش این مظاهر در میان هر قومی، بریده از مسایل فرهنگی و هویت‌های ملی آن قوم نیست. فرهنگ هر جامعه، با الهامی که از جهان‌بینی حاکم بر آن جامعه می‌گیرد، و همچنین به دلیل ارتباطی که با آداب و سنن و تاریخ جامعه دارد، در تعریف هنر و زیبایی و معیارهای آن نقشی شایان توجه ایفا می‌کند (سلیمانیان، ۱۳۸۸: ۵۹).

۴- فرهنگ عامه

اصطلاحاتی نظیر فرهنگ مردم، فرهنگ عامه و دانش عوام از زیر مجموعه‌های فرهنگ معاصر ایران‌اند که همگی کاربرد معنایی واحدی دارند. این اصطلاحات را صادق هدایت وضع کرده و معادل واژه فولکلور قرار داده است (دری و خیراندیش، ۱۳۹۳: ۸۰). نخستین بار آمبرواز مورتن در قرن نوزدهم میلادی این اصطلاح را مطرح کرد (هدایت، ۱۳۸۱: ۲۳۳). فرهنگ عامه به مجموع آداب و رسوم، عقاید، عادت‌ها، افسانه‌ها، حکایات، امثال و ترانه‌ها و اشعار عامیانه اطلاق می‌شود (رادفر، ۱۳۸۰: ۱۵۳). ارزش جهانی فولکلور بدان سبب است که دانش عوام هر ملتی آیینۀ ذوق و هنر و معرف خلق و خوی آن ملت و وسیله خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم و جماعت است. و چون غالباً با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند سفیر حسن نیت و پیام‌آور دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد (رحیمی، ۱۳۹۷: ۵). یکی از مباحث مهم فرهنگ، بحث فرهنگ ملی و ایرانی است که درباره‌ی آن پژوهش‌های پرشماری انجام شده است که در زیر به صورت مختصر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

لطف آبادی (۱۳۸۲)، در پژوهش خود تحت عنوان «پژوهش در وضعیت و نگرش مسایل جوانان ایرانی»، مقوله‌هایی چون تقویت هویت دینی و ملی را در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش بیانگر نارضایتی ۶۵ درصدی دانش‌آموزان از عملکرد ضعیف مدارس حکایت می‌کند. منادی (۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود با عنوان «جهانی‌شدن، دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایرانی» بیان می‌کند که علاقه‌مندی به وطن و ملی‌گرایی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه بسیار ضعیف است و تعداد انگشت‌شماری این علاقه را نشان دادند. افزون بر این، قلی‌زاده برهانی (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درس دینی بر هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز» به این نتیجه دست یافته است که کتاب‌های درس دینی، کمترین تأثیر را بر هویت دینی دانش‌آموزان دارند. خادمی و همکاران (۱۳۸۶)، مفهوم هویت فرهنگی را در ۶۰۰ دانش‌آموز دوره راهنمایی شهر شیراز بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر بالابودن این مؤلفه‌ها در جامعه آماری مورد مطالعه است. همچنین خدایار و فتحی (۱۳۸۷)، پژوهشی تحت عنوان «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش دوره متوسطه» انجام داده‌اند. نتایج

پژوهش، بیانگر عملکرد ضعیف مؤلفان درسی آموزش و پرورش در مورد حوزه تمدن ایرانی، چون پرچم، تنوع قومی و هویت جنسی است. صادق زاده و منادی (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با عنوان «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ متوسطه رشته علوم انسانی» به این نتیجه رسیده‌اند که محتوای این کتاب‌ها به طور متعادل و متوازن به نمادهای ملی نپرداخته‌اند. افزون بر این، برادر و غلامی (۱۳۹۰) پژوهشگران دیگری هستند که مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با مجله‌های فارسی کودکان در میزان پرداخت به نمادهای ایرانی» چاپ کرده‌اند. جوکار و ساکی (۱۳۹۲) هم در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عناصر و مضامین دینی و میهنی در اشعار کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی» نشان داده‌اند که میان عناصر میهنی و مذهبی در تقویت و ایجاد حس هویت‌یابی در دانش‌آموزان عدم تناسب دیده می‌شود.

با توجه به پیشینه پژوهش، باید پذیرفت که در کتاب‌های درسی سال‌های گذشته، چنان‌که باید، به مسئله تقویت فرهنگ و تمدن غنی ایرانی پرداخته نشده‌است. انتظار می‌رفت در این سال‌ها، مؤلفان کتاب‌های درسی با نگاهی به پژوهش‌های صورت گرفته، به برنامه‌ریزی دقیق و اصلاحی این منابع می‌پرداختند و می‌کوشیدند تا ضعف‌های موجود در کتاب‌های درسی مرتفع گردد و فرهنگ ایرانی در محتوای این منابع آموزشی تقویت شود؛ اما شوربختانه این مهم، محقق نشده و همچنان این حوزه نیازمند مطالعات و بررسی‌های جدی‌تری است. پژوهش حاضر در نتیجه چنین نگاه و ضرورتی صورت می‌گیرد.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر کتاب‌های فارسی خوانداری اول تا ششم ابتدایی است که تاکنون پژوهشی مستقل درباره آن‌ها انجام نشده‌است. روش پژوهش جستار پیش رو، از نوع کمی و کیفی است. این نوع پژوهش‌ها در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرند. به این صورت که نتایج بررسی می‌تواند در اختیار مؤلفان درسی قرار گیرد تا با بازبینی کتاب‌های درسی و با کاربرد این نتایج به تقویت موضوع مورد بحث در دانش‌آموزان کمک کند. تمامی مؤلفه‌های مطرح‌شده در فرهنگ ایرانی (دین اسلام، نمادهای فرهنگی، فرهنگ عامه و هنر ایرانی) از کتاب‌های درسی فارسی استخراج شده و برای هر مؤلفه، جدول فراوانی و درصد مشخص می‌شود. این نوع تحلیل محتوا، یکی از روش‌های علمی برای بررسی محتوای مدارک اسنادی می‌باشد. در پایان، نتایج به دست آمده، با پرسش‌های پژوهش مطابقت داده می‌شود تا پرسش‌های پژوهش مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار گیرد. واحد ثبت در این پژوهش، صفحات کتاب درسی است که با بررسی متن موجود در صفحات، بدون در نظر گرفتن تصاویر، فراوانی و درصد صفحاتی که به مؤلفه‌های فرهنگ

ایرانی - اسلامی پرداخته‌اند و حتی اشاره‌ای جزئی داشته‌اند، بررسی شده‌است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری استفاده نشده و کل کتاب‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱- مشخصات کتاب‌های درسی فارسی خوانداری اول تا ششم ابتدایی

شماره کتاب	عنوان کتاب	سال چاپ	کد کتاب	تعداد صفحات
یک	فارسی خوانداری سال اول ابتدایی	۱۳۹۸	۱۰۳	۱۲۸
دو	فارسی خوانداری سال دوم ابتدایی	۱۳۹۸	۲۰۳	۱۲۸
سه	فارسی خوانداری سال سوم ابتدایی	۱۳۹۸	۳۰۳	۱۳۶
چهار	فارسی خوانداری سال چهارم ابتدایی	۱۳۹۸	۴۰۳	۱۵۲
پنج	فارسی خوانداری سال پنجم ابتدایی	۱۳۹۸	۵۰۳	۱۵۲
شش	فارسی خوانداری سال ششم ابتدایی	۱۳۹۸	۶۰۳	۱۲۸

جدول شماره ۲- توصیف مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی به تفکیک هر مؤلفه در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی

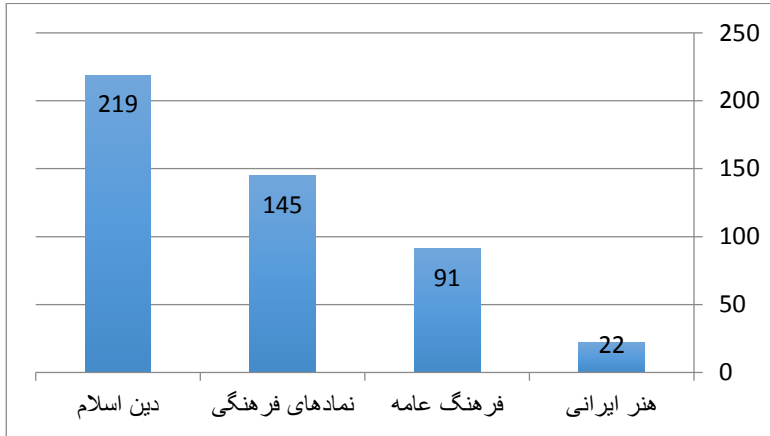
مؤلفه	فراوانی	درصد
دین اسلام	۲۱۹	۴۵/۹۱
نمادهای فرهنگی	۱۴۵	۳۰/۳۹
فرهنگ عامه	۹۱	۱۹/۰۷
هنر ایرانی	۲۲	۴/۶۱
جمع	۴۷۷	۱۰۰

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در کتاب‌های مورد بررسی، در کل ۴۷۷ مرتبه بر مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی تأکید شده‌است. سهم این مؤلفه‌ها در محتوای کتاب‌های درسی شش ساله دوره ابتدایی، یکسان نیست و بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه‌های دین اسلام با ۲۱۹ مرتبه، معادل ۹۱/۴۵ درصد، بوده‌است. مؤلفه‌های نمادهای فرهنگی با ۱۴۵ مرتبه و معادل ۳۰/۳۹ درصد، در جایگاه دوم، مؤلفه‌های فرهنگ عامه با ۹۱ مرتبه و ۱۹/۰۷ درصد، در جایگاه سوم و هنر ایرانی با ۲۲ مرتبه و معادل ۴/۶۱ درصد، در جایگاه آخر قرار گرفته‌است.

جدول شماره ۳- جمع بندی مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی- اسلامی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

پایه	گویه	دین اسلام	نمادهای فرهنگی	فرهنگ عامه	هنر ایرانی	جمع
	فراوانی	۳۰	۸	۴	-	۴۲
	درصد	۲۶/۳	۷/۰۱	۳/۵	-	۳۶/۸۱
	فراوانی	۳۵	۱۷	۱۴	۷	۷۳
	درصد	۳۰/۹	۱۵/۰۴	۱۲/۳	۶/۱	۶۴/۳۴
	فراوانی	۳۹	۱۲	۸	۱	۶۰
	درصد	۳۲/۷	۱۰/۰۸	۶/۷	۰/۸۴	۵۰/۳۲
	فراوانی	۳۱	۲۷	۲۳	۷	۸۸
	درصد	۲۳/۳	۲۰/۳	۱۷/۲	۵/۲	۶۶
	فراوانی	۳۸	۴۹	۲۴	۷	۱۱۸
	درصد	۲۸/۵	۳۶/۸	۱۸/۰۴	۵/۲	۸۸/۵۴
	فراوانی	۴۶	۳۲	۱۸	-	۹۶
	درصد	۴۲/۹	۲۹/۹	۱۶/۸	-	۸۹/۶

همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، در پایه اول ابتدایی، بیشترین فراوانی مربوط به مقوله دین اسلام با ۳۰ صفحه و کمترین فراوانی، مربوط به هنر ایرانی با صفر صفحه است. در پایه دوم، بیشترین فراوانی مربوط به مقوله دین اسلام با ۳۵ صفحه و کمترین، مربوط به هنر ایرانی با ۷ صفحه می‌باشد. در پایه سوم، بیشترین فراوانی مربوط به دین اسلام با ۳۹ صفحه و کمترین، مربوط به هنر ایرانی با ۱ صفحه است. در پایه چهارم، بیشترین فراوانی مربوط به دین اسلام با ۳۱ صفحه و کمترین، مربوط به هنر ایرانی با ۷ صفحه می‌باشد. در پایه پنجم، بیشترین فراوانی مربوط به نمادهای فرهنگی با ۴۹ صفحه و کمترین، مربوط به هنر ایرانی با ۷ صفحه است. در پایه ششم، بیشترین فراوانی مربوط به دین اسلام با ۴۶ صفحه و کمترین، مربوط به هنر ایرانی با صفر صفحه است. همچنین اطلاعات جدول شماره ۳ بیشترین تأکید را بر مؤلفه‌های ایرانی-اسلامی، به ترتیب در کتاب‌های پنجم، ششم، چهارم، دوم، سوم و اول نشان می‌دهد؛ لذا غنی‌ترین کتاب در این زمینه، کتاب پنجم و ضعیف‌ترین، کتاب اول است.



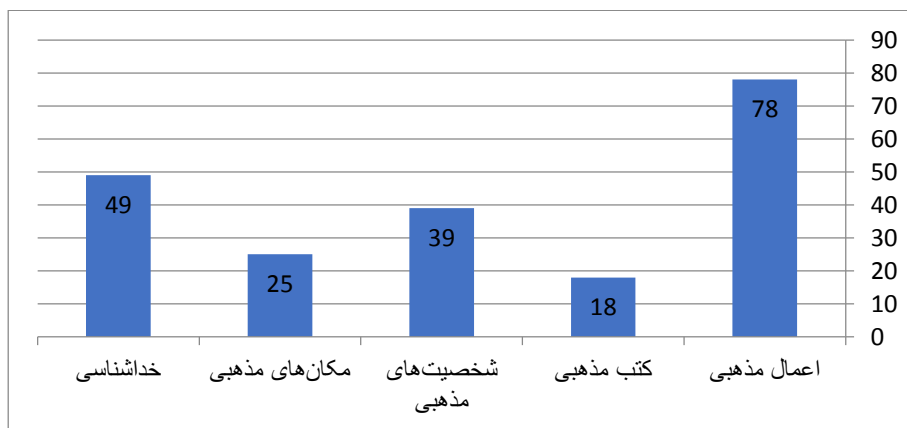
نمودار شماره ۱- فراوانی مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی

همان‌طور که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی، مربوط به مؤلفه دین اسلام با ۲۱۹ صفحه و کمترین از آن هنر ایرانی با ۲۲ صفحه است.

جدول شماره ۴- جمع‌بندی گویه‌های مؤلفه دین اسلام در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

پایه	گویه	خداشناسی	مکان‌های مذهبی	شخصیت‌های مذهبی	کتب مذهبی	اعمال مذهبی
	درصد	۱۰	۱۶/۶	۱۳/۳	۱۶/۶	۴۳/۳
پایه دوم	فراوانی	۲	۶	۶	۲	۱۹
	درصد	۵/۷	۱۷/۱	۱۷/۱	۵/۷	۵۴/۲
پایه سوم	فراوانی	۶	۸	۸	۴	۱۳
	درصد	۱۵/۳	۲۰/۵	۲۰/۵	۱۰/۲	۳۳/۳
پایه چهارم	فراوانی	۱۵	۲	۶	-	۸
	درصد	۴۸/۳	۶/۴	۱۹/۳	-	۲۵/۸
پایه پنجم	فراوانی	۱۴	۲	۶	۲	۱۴
	درصد	۳۶/۸	۵/۲	۱۵/۷	۵/۲	۳۶/۸
پایه ششم	فراوانی	۹	۲	۹	۵	۲۱
	درصد	۱۹/۵	۴/۳	۱۹/۵	۱۰/۸	۴۵/۶

همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، در پایه اول ابتدایی، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به اعمال مذهبی، با ۱۳ صفحه و کمترین، مربوط به گویه خدانشناسی با ۳ صفحه است. در پایه دوم، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به اعمال مذهبی با ۱۹ صفحه و کمترین، مربوط به خدانشناسی و کتب مذهبی با ۲ صفحه است. در پایه سوم، بیشترین فراوانی مربوط به اعمال مذهبی ۱۳ صفحه و کمترین، مربوط به کتب مذهبی با ۴ صفحه می‌باشد. در پایه چهارم، بیشترین فراوانی مربوط به خدانشناسی با ۱۵ صفحه و کمترین، مربوط به کتب مذهبی با صفر صفحه است. در پایه پنجم، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به خدانشناسی و اعمال مذهبی با ۱۴ صفحه و کمترین، مربوط به مکان‌های مذهبی و کتب مذهبی با ۲ صفحه است. در پایه ششم، بیشترین فراوانی مربوط به اعمال مذهبی با ۲۱ صفحه و کمترین، مربوط به مکان‌های مذهبی با ۲ صفحه است.



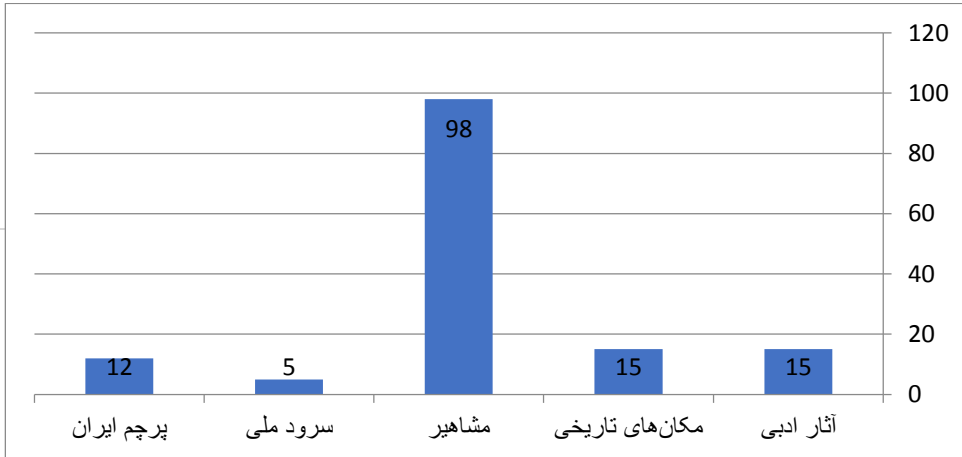
نمودار شماره ۲- فراوانی گویه‌های دین اسلام در کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی

همان‌طور که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی گویه‌های دین اسلام در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری شش پایه، مربوط به گویه اعمال مذهبی با ۷۸ صفحه و کمترین آن، مربوط به گویه کتب مذهبی با ۱۸ صفحه است.

جدول شماره ۵- جمع‌بندی گویه‌های مؤلفه‌های نمادهای فرهنگی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

پایه	گویه	پرچم ایران	سرود ملی	مشاهیر	مکان‌های طبیعی و تاریخی	آثار ادبی
پایه اول	فراوانی	۳	-	۳	۱	۱
	درصد	۳۷/۵	-	۳۷/۵	۱۲/۵	۱۲/۵
پایه دوم	فراوانی	۴	-	۵	۵	۳
	درصد	۲۳/۵	-	۲۹/۴	۲۹/۴	۱۷/۶
پایه سوم	فراوانی	-	-	۹	۲	۱
	درصد	-	-	۷۵	۱۶/۶	۸/۳
پایه چهارم	فراوانی	۱	-	۲۲	۲	۲
	درصد	۳/۷	-	۸۱/۴	۷/۴	۷/۴
پایه پنجم	فراوانی	۴	۵	۳۵	۳	۲
	درصد	۸/۱	۱۰/۲	۷۱/۴	۶/۱	۴/۸
پایه ششم	فراوانی	-	-	۲۴	۲	۶
	درصد	-	-	۷۵	۶/۲	۱۸/۷

همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، در پایه اول ابتدایی، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به پرچم ایران و مشاهیر با ۳ صفحه و کمترین، مربوط به سرود ملی با صفر صفحه است. در پایه دوم، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به مشاهیر و مکان‌های طبیعی و تاریخی با ۵ صفحه و کمترین، مربوط به سرود ملی با صفر صفحه است. در پایه سوم، بیشترین فراوانی، مربوط به مشاهیر با ۹ صفحه و کمترین، مربوط به پرچم ایران و سرود ملی با صفر صفحه است. در پایه چهارم، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به مشاهیر با ۲۲ صفحه و کمترین، مربوط به سرود ملی با صفر صفحه است. در پایه پنجم، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به مشاهیر با ۳۵ صفحه و کمترین، مربوط به آثار ادبی با ۲ صفحه است. در پایه ششم، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به مشاهیر با ۲۴ صفحه و کمترین، مربوط به پرچم ایران و سرود ملی با صفر صفحه است.

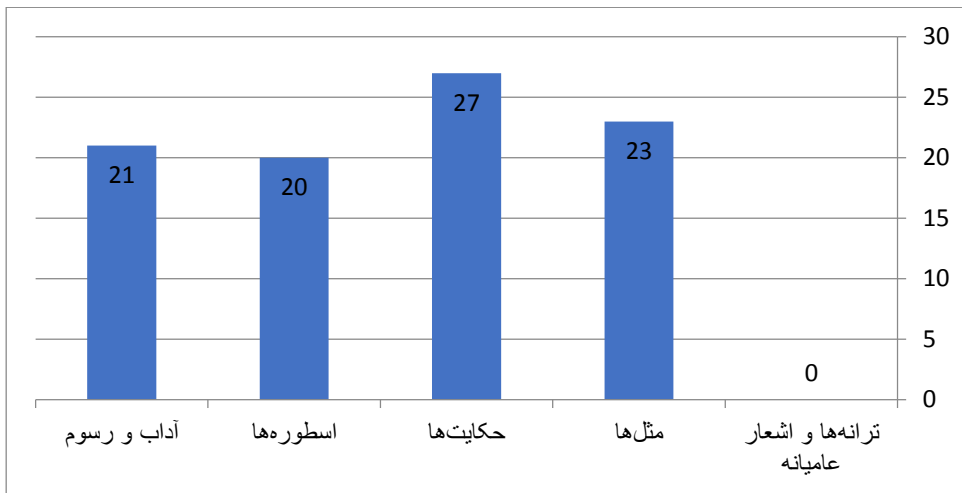


نمودار شماره ۳- فراوانی گویه‌های نمادهای فرهنگی در کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی همان‌طور که نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی گویه‌های نمادهای فرهنگی در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری شش پایه، مربوط به گویه مشاهیر با ۹۸ صفحه و کمترین، مربوط به گویه سرود ملی با ۵ صفحه است.

جدول شماره ۶- جمع‌بندی گویه‌های مؤلفه فرهنگ عامه در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

ترانه‌ها و اشعار عامیانه	مثلها	حکایت‌ها	اسطوره‌ها	آداب و رسوم	گویه	
					پایه اول	پایه دوم
-	-	۱	-	۳	فراوانی	پایه اول
-	-	۲۵	-	۷۵	درصد	پایه اول
-	۱	۵	۳	۵	فراوانی	پایه دوم
-	۷/۱	۳۵/۷	۲۱/۴	۳۵/۷	درصد	پایه دوم
-	۳	۵	-	-	فراوانی	پایه سوم
-	۳۷/۵	۶۲/۵	-	-	درصد	پایه سوم
-	۱۰	۴	۴	۵	فراوانی	پایه چهارم
-	۴۳/۴	۱۷/۳	۱۷/۳	۲۱/۷	درصد	پایه چهارم
-	۹	۶	۵	۴	فراوانی	پایه پنجم
-	۳۷/۵	۲۵	۲۰/۸	۱۶/۶	درصد	پایه پنجم
-	-	۶	۸	۴	فراوانی	پایه ششم
-	-	۳۳/۳	۴۴/۴	۲۲/۲	درصد	پایه ششم

همان‌طور که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، در پایه اول ابتدایی، بیشترین فراوانی گویه، مربوط به آداب و رسوم با ۳ صفحه و کمترین، مربوط به اسطوره‌ها، مثل‌ها و ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است. در پایه دوم، بیشترین فراوانی مربوط به گویه‌های آداب و رسوم و حکایت‌ها با ۵ صفحه و کمترین، مربوط به ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است. در پایه سوم، بیشترین فراوانی گویه‌ها، مربوط به حکایت‌ها با ۵ صفحه و کمترین، مربوط به آداب و رسوم، اسطوره‌ها و ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است. در پایه چهارم، بیشترین فراوانی مربوط به مثل‌ها با ۱۰ صفحه و کمترین، مربوط به ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است. در پایه پنجم، بیشترین فراوانی مربوط به مثل‌ها با ۹ صفحه و کمترین، مربوط به ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است. در پایه ششم، بیشترین فراوانی مربوط به اسطوره‌ها با ۸ صفحه و کمترین، مربوط به مثل‌ها و ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است.



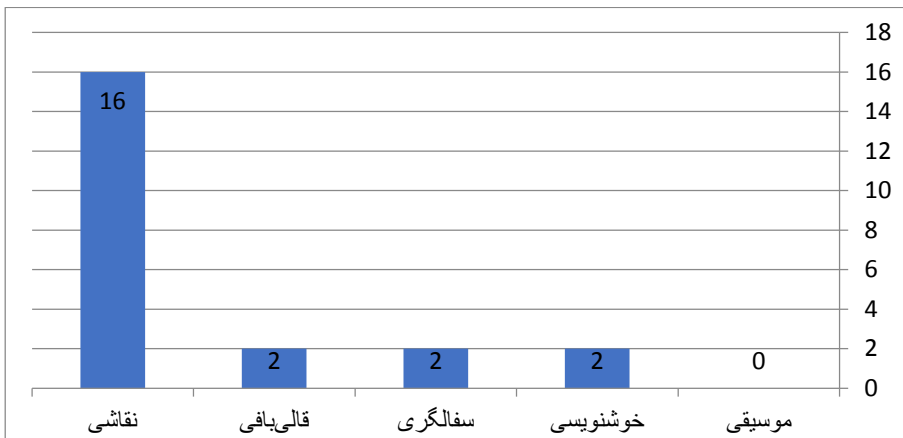
نمودار شماره ۴- فراوانی گویه‌های فرهنگ عامه در کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی

همان‌طور که نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی گویه‌های فرهنگ عامه در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری شش پایه، مربوط به گویه حکایت‌ها با ۲۷ صفحه و کمترین، مربوط به گویه ترانه‌ها و اشعار عامیانه با صفر صفحه است.

جدول شماره ۷- جمع‌بندی گویه‌های مؤلفه هنر ایرانی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

پایه	گویه	نقاشی	قالی‌بافی	سفالگری	خوشنویسی	موسیقی
	درصد	-	-	-	-	-
پایه دوم	فراوانی	۳	۲	۲	-	-
	درصد	۴۲/۸	۲۸/۵	۲۸/۵	-	-
پایه سوم	فراوانی	۱	-	-	-	-
	درصد	۱۰۰	-	-	-	-
پایه چهارم	فراوانی	۷	-	-	-	-
	درصد	۱۰۰	-	-	-	-
پایه پنجم	فراوانی	۵	-	-	۲	-
	درصد	۷۱/۴	-	-	۲۸/۵	-
پایه ششم	فراوانی	-	-	-	-	-
	درصد	-	-	-	-	-

همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۷ نشان‌می‌دهد، به میزان اندکی در کتب فارسی به مقوله هنر اشاره شده‌است. در پایه اول ابتدایی، اصلاً اشاره‌ای نشده و در پایه دوم، بیشترین فراوانی مربوط به هنر نقاشی با ۳ صفحه و کمترین، مربوط به خوشنویسی و موسیقی با صفر صفحه است. در پایه‌های سوم و چهارم، از بین گویه‌های مدنظر، فقط به نقاشی به ترتیب با فراوانی ۱ و ۷ صفحه اشاره شده‌است. در پایه پنجم، باز بیشترین فراوانی مربوط به نقاشی با ۵ صفحه و کمترین، مربوط به قالی‌بافی و سفالگری و موسیقی با صفر صفحه است. در پایه ششم، به هیچ‌کدام از گویه‌ها اشاره‌ای نشده‌است. در اکثر این صفحات، اشاره‌ها بسیار مختصر و کوتاه است و درس‌های کمی اختصاصاً به مقوله هنر و به‌خصوص هنر ایرانی پرداخته‌اند.



نمودار شماره ۵- فراوانی گویه‌های هنر ایرانی در کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی همان‌طور که نمودار شماره ۵ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی گویه‌های هنر ایرانی در مجموع کتاب‌های فارسی خوانداری شش پایه، مربوط به گویه نقاشی با ۱۶ صفحه و کمترین، مربوط به گویه موسیقی با صفر صفحه است.

نتیجه‌گیری

در میان کتاب‌های درسی، کتاب‌های فارسی باید آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ و یکی از مؤثرترین عوامل تقویت‌کننده هویت ایرانی-اسلامی باشد. در طول تاریخ بشری، زبان و ادبیات بیش از هر چیز دیگر، سرشت نهایی ملت‌ها را به ظهور رسانده و به‌خوبی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، آرمان‌ها و آرزوها و خلاصه شعور جمعی و آگاهی ملی ملت‌ها را نشان داده‌است. در این میان، زبان فارسی به منزله زبان رسمی، زبان فرهنگی و ملی همه ایرانیان، یکی از مؤلفه‌های مهم هویت و موجبات بقا و دوام ایران به‌عنوان یک کشور بوده‌است (امین، ۱۳۸۴: ۷).

نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که بر مؤلفه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی-اسلامی در محتوای کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی به یک اندازه تأکید نشده و تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد؛ به گونه‌ای که میزان تأکید بر یک مؤلفه از چهار مؤلفه‌ی مورد بررسی در این پژوهش، یعنی مؤلفه هنر ایرانی، در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها ناچیز است. این مؤلفه تنها ۴/۶۱ درصد از مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی را تشکیل می‌دهد که اکثراً به‌صورت اشاره‌هایی کوتاه در برخی از درس‌ها که به‌طور اختصاصی به مقوله هنر ایرانی پرداخته‌اند، دیده می‌شود. بیشترین میزان تأکید مربوط به مؤلفه دین اسلام با ۴۵/۹۱ درصد است. بر اساس نتایج پژوهش، بر مؤلفه مذهبی نسبت به سایر مؤلفه‌ها، تأکید متعادلی صورت گرفته‌است. از آنجایی که تأثیرگذاری دین و مذهب در زندگی ایرانیان، چه در دوران بعد از اسلام و چه قبل از آن کاملاً آشکار است، پرداختن به این مؤلفه،

امری طبیعی به نظر می‌رسد و یافته‌های این پژوهش با نتایج چیت‌ساز (۱۳۸۷) همسو است. گفتنی است در این بین، به گویه‌های اعمال مذهبی و خدانشناسی توجه بیشتری شده‌است و سایر گویه‌ها از اهمیت کمتری برخوردار هستند. این نتیجه نیز با نتایج آرمند (۱۳۸۴) که نشان‌داده از بین ارزش‌های مطرح‌شده در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی، ارزش‌های دینی و اخلاقی بیشترین فراوانی را دارد، همسو است.

بعد از مؤلفه‌ی دین اسلام، نمادهای فرهنگی با ۳۰/۳۹ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. بیشترین فراوانی (۹۸ مرتبه) در نمادهای فرهنگی، در گویه‌ی مشاهیر دیده‌می‌شود؛ اما این تعادل برای سایر گویه‌ها رعایت نشده‌است. در این میان، سرود ملی در جایگاه آخر با فراوانی ۵ بار قرار دارد. نمادهای فرهنگی در آموزش هویت ملی به دانش‌آموزان، باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وفاق و انسجام اجتماعی، داشتن تعلق و تعهد بالا به ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه است؛ از این‌رو، همه‌ی دولت‌ها در پی شناساندن تاریخ و فرهنگ خود به مردمان سرزمین خود هستند تا از این طریق به یکپارچگی در سطح ملی دست یابند (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲: ۲).

فرهنگ عامه با ۱۹/۰۷ درصد در جایگاه سوم قرار دارد و گویه‌ی ترانه‌ها و اشعار عامیانه در کتاب‌های مورد بررسی هیچ جایگاهی ندارد. سایر گویه‌ها با اختلاف جزئی مطرح شده‌اند؛ هرچند انتظار می‌رفت باید توجه ویژه‌ای به آن‌ها می‌شد؛ چراکه فرهنگ عامه باید به‌طور کلی به‌عنوان وسیله‌ای مهم برای آشنایی کودکان با فرهنگ تلقی شود و آثارش به‌صورت جامع، به‌عنوان مجموعه‌ای از ترانه، اجرای آهنگ به‌وسیله آلات موسیقی و تئاتر، تدریس شود. همه‌ی آثار فولکلور که در روند آموزش قرار می‌گیرند، باید اصیل و دارای مشخصات قومی و منطقه‌ای باشد. به علاوه، باید ویژگی‌های سنی کودکان را در نظر داشت و جو خلاقیت هنری مشترک کودکان و بزرگسالان را ایجاد کرد (شیرین‌کام، ۱۳۹۳: ۱۱۶). به هر حال، نباید فراموش کرد که دسته‌ای از این افکار و آداب و رسوم، نه تنها پسندیده‌اند، بلکه از یادگارهای روزهای پر افتخار ایران نیز به شمار می‌آیند (مانند: جشن‌های نوروز، تیرگان، مهرگان سده و ...) که زنده‌کردن و نگهداری آن‌ها یا بازسازی و الگوبرداری از آن‌ها، از وظایف مهم ملی محسوب می‌شود. شایسته است بدانیم که امروزه، ملت‌هایی می‌توانند در عرصه‌ی فرهنگی، استوار بمانند و حرفی برای گفتن داشته‌باشند که بتوانند فرهنگ اصیل خود را حفظ کنند و آن را از خطر هجوم فرهنگ‌های مهاجم، در امان نگه دارند. بنابراین، فرهنگ عامه به‌عنوان مؤلفه‌ای که می‌تواند در انتقال ارزش‌های اخلاقی، دینی، ملی، سیاسی و ... قومی و محلی نقش مهمی داشته‌باشد، از سوی برنامه‌ریزان درسی باید مورد توجه قرارگیرد تا بتوان با انتقال فرهنگ اصیل ایرانی از هجوم فرهنگ‌های بیگانه، جلوگیری کرد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶) همخوانی دارد. آنان

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در کتب فارسی ...

دریافته‌اند که کتاب‌های درسی دوره ابتدایی نمی‌توانند نقش چندان مؤثری در شکل‌گیری و تحکیم شاخص‌های اسطوره‌ای و نمادین ملی که در رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر است، داشته‌باشند. همچنین یافته‌های پژوهش عبدی و لطفی (۱۳۸۷) بیانگر این است که گرایش و تقویت هویت ملی در کتب تاریخ دبیرستان ضعیف و خنثی است. افزون بر این، نتایج پژوهش صادق‌زاده و منادی (۱۳۸۷) که نشان‌داد آموزش هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه، ناقص و گذراست و متن و تصاویر این کتاب‌ها به نهادهای هویت ملی توجه متعادلی نکرده‌اند، نیز با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

و اما مؤلفه هنر ایرانی با ۴/۶۱ درصد، حضوری بسیار کم‌رنگ و ناچیز در این کتاب‌ها دارد. جای بسی تأسف است که هنر ایرانی با قدمتی بسیار طولانی و غنی و سرشار از ذوق و خلاقیت، این‌گونه مظلوم واقع شود و در محتوای آموزشی مدارس ما جایگاهی ضعیف داشته‌باشد. در حوزه هنر ایرانی، بیشترین توجه به گویه‌ی نقاشی شده‌است؛ با فراوانی ۱۶ مرتبه در تمام کتاب‌های فارسی خوانداری شش پایه. سایر گویه‌ها هر کدام با فراوانی ۲ بار، در مرتبه دوم قرار دارند و گویه موسیقی اصلاً جایگاهی ندارد.

محدودیت ما در انجام پژوهش، کمبود مقالات به‌روز و مرتبط با موضوع، برای مقایسه نتایج بود. در پایان، پیشنهاد می‌شود میزان تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در کتاب‌های فارسی خوانداری دوره ابتدایی با توجه به نتایج پژوهش، مورد بازنگری قرار گیرد. در این میان، میزان تأکید بر مؤلفه‌های هنر ایرانی و فرهنگ عامه، نیازمند توجه جدی‌تر طراحان و برنامه‌ریزان کتب درسی است. توجه هماهنگ و متوازن به مؤلفه‌های چهارگانه فرهنگ و پراکندگی یک‌نواخت این مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی، از دیگر ضروریات برنامه‌ریزی و تألیف این کتاب‌ها است تا از این طریق در همه دانش‌آموزان ایرانی با هر نوع وابستگی مذهبی، زبانی، قومی و فرهنگی و در هر یک از شاخه‌های تحصیلی دوره متوسطه، حس تعلق و پایبندی به فرهنگ ایرانی تقویت شود.

منابع

- آریان‌پور کاشانی، عباس (۱۳۸۳). فرهنگ لغت انگلیسی - فارسی، ویرایش بیست و هشتم، ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- آشوری، داریوش (۱۳۵۷). تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- امین، سیدحسن (۱۳۸۴). نقش شعر کلاسیک بر هویت ملی. مجله ادبیات و زبان‌ها، شماره ۱۴: ۸-۵.
- برادر، رؤیا و غلامی، سمانه (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با مجله‌های فارسی کودکان در میزان پرداخت به نمادهای ایرانی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۲۸: ۳۴-۹.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵: ۶۷-۷۸.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۱). فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در فرهنگ جهان. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۶۴: ۶۷-۷۸.

- دری، نجمه و خیراندیش، سید مهدی (۱۳۹۳). مقایسه بازتاب فرهنگ عامه در آثار سیمین دانشور و احمد محمود. فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۳: ۱۰۳-۷۹.
- دربیایی، محسن (۱۳۹۰). نسبت دین و فرهنگ. برگ فرهنگ، شماره ۲۳: ۱۲۳-۱۲۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه فارسی، ج ۲۸. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۰). جلوه‌های فرهنگ عامه در ادبیات فارسی. نامه فرهنگ، شماره ۳۹: ۱۵۸-۱۵۳.
- ربانی، علی و رستگار. یاسر (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره ۵۰: ۵۰-۱.
- رحیمی، قدریه (۱۳۹۷). بررسی عناصر ادبیات و فرهنگ عامه شهرستان بستک. پژوهشنامه اورمزد، شماره ۴۴: ۲۶-۴.
- روشه، گی (۱۳۶۷). کنش اجتماعی؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلیمانیان، حمیدرضا (۱۳۸۸). همگرایی هنر و عرفان در فرهنگ ایرانی اسلامی با نگاهی به ادب فارسی. فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۱: ۵۸-۷۳.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه‌شناختی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت ملی. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- خادمی، محسن؛ ساکتی، پرویز و فلاحی، ویدا (۱۳۸۶). بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی (گرایش‌ها و شناخت‌ها). نشریه مطالعات تربیتی و روانشناسی، شماره ۲: ۶۲-۴۳.
- جوکار، منوچهر و ساکی، بهمن (۱۳۹۲). بررسی عناصر و مضامین دینی و میهنی در اشعار کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی، نشریه مطالعات ادبیات کودک، شماره ۱: ۴۸-۲۱.
- صادق‌زاده، رقیه و منادی، مرتضی (۱۳۸۷). جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره متوسطه: رشته علوم انسانی، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۷: ۱۳۶-۱۲۵.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۳). جهانی شدن، دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایرانی. مجموعه مقالات نسبت آموزش پرورش با جهانی شدن، تهران، پژوهشکده معلم.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۲-۱۳۸۱). پژوهش در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران. نشریه مطالعات جوانان، شماره ۲-۱: ۳۲-۱۲.
- خداپار، ابرهیم و فتحی، اعظم (۱۳۸۷). هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش (مورد مطالعه: دوره متوسطه). نشریه مطالعات ملی، شماره ۳: ۵۲-۲۷.
- قلی‌زاده برهانی، پاله (۱۳۸۵). بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درس دینی بر هویت دینی دختران دوره پیش‌دانشگاهی تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، تهران.
- شیخوندی، داور (۱۳۸۲). بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- شیرین‌کام، اسحاق (۱۳۹۳). بررسی فرهنگ بومی و عوامل مؤثر در انتقال آن به کودکان. پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان، شماره ۸ و ۹: ۱۱۸-۱۰۹.
- صادق‌زاده، رقیه و منادی، مرتضی (۱۳۸۷). جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ ادبیات دوره متوسطه: رشته علوم انسانی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال هفتم شماره ۲۷: ۱۳۶-۱۲۵.
- صافی، احمد (۱۳۸۶). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه. تهران: انتشارات سمت.

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در کتب فارسی ...

- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۶). فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول. زمانه، شماره ۵۸: ۲۸-۱۸.
- فیروزآبادی، سیدسعید و امیری، آنی‌تا (۱۳۸۹). فرهنگ، زبان و آموزش. برگ فرهنگ، شماره ۲۱: ۱۱۱-۱۰۳.
- کریمیان، حسن (۱۳۸۹). نمادهای فرهنگی در مناظر شهری: بیان معنا، حس هویت و آرامش روحی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴: ۱۳۲ - ۱۱۹.
- لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحید (۱۳۸۳). بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن در تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال، سوم شماره ۹: ۸۸-۱۱۹.
- مالرب، میشل (۱۳۸۷). انسان و ادیان. تهران: نشر نی.
- محمدی، علی (۱۳۸۵). آیا رسانه‌ها بازتاب هویت و فرهنگ مردم هستند؟. رسانه، شماره ۶۷: ۱۲۷-۹۹.
- مدیر شانه‌چی، محسن (۱۳۸۰). تمدن ایرانی، ویژگی‌ها و امتیازات. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲: ۱۶۳-۱۵۵.
- معروفی، یحیی و پناهی توانا، صادق (۱۳۹۳). جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی - مذهبی در محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۲۰: ۱۰۴-۸۳.
- ملکی، صفی‌الله (۱۳۸۰). نگاهی به جایگاه توسعه فرهنگی در سند چشم‌انداز و سیاست‌گذاری‌ها. روزنامه قدس، ۲۷ تیر ۱۳۸۸.
- نوریان، محمد (۱۳۸۸). راهنمای عملی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. تهران: نشر شورا.
- هدایت، صادق (۱۳۸۱). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.
- یعقوبیان، محمدحسن (۱۳۹۴). نسبت دین و فرهنگ از منظر استاد مرتضی مطهری. معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۴: ۲۷-۵.